

قصه نوروزی (سماق)

بهار کوله بار خالیش را برداشت و تصمیم گرفت بره تا همه آدم ها را خوشحال کند. او به فکرش رسید کوله بار خالیش را پر از شکوفه گل کند و به تمام مردم هدیه دهد

بهار رفت و رفت تا به درختچه زیبایی سماق رسید

به به چه شکوفه های زیبایی و کوله بارش را پر از شکوفه های سماق کرد.

او میدانست که آدم ها روی سفره نوروزیشان سماق می گذارند تا شروع دوباره صبر و شادی و مهر را با هم جشن بگیرند.

اول از همه به یک باغچه رسید می خواست باغچه را پر از شکوفه های سماق کند، اما دید کوله اش خالی است با خود گفت: ای داد شکوفه های سماق مرا کی برده؟

این ور را نگاه کرد آن ور را نگاه کرد، یکدفعه متوجه شد یکی از شاخه های شکوفه سماق از لانه گنجشک پایین افتاده توی لانه گنجشک سرک کشید دید یه سفره هفت سین زیبا داخل لانه گنجشک پهن شده است و داخل سفره دو شاخه از شکوفه های سماق بود.

بهار گفت: آهای گنجشک های کوچک پس شما بودید که شکوفه های سماق مرا از کوله ام برداشته اید؟

گنجشک ها گفتند: نه ما این شکوفه ها را از روی زمین برداشته ایم و بقیه را هم باد با خودش برد تا به تمام آدم های منتظر بدهد تا آنها هم شکوفه های سماق را داخل سفره هفت سین شان بگذارند تا شروع دوباره صبر و سلامتی و شادی و مهر را باهم جشن بگیرند.

بهار یکبار دیگر کوله بارش را نگاه کرد، آن را از این رو به آن رو کرد یکدفعه دید ته کوله بارش سوراخ است و شکوفه های سماق از سوراخ کوله بیرون ریخته اند.

به گنجشک ها گفت: من خیلی شرمندم ام منو ببخشید.

خانم گنجشکه خندید و گفت: بهار زیبا ما تو را بسیار دوست داریم و حالا که کنوجه اشتباهت شده ای ما هم تو را می بخشیم.

بهار خندید و از خنده اش دوباره کوله بارش پر از شکوفه های رنگی شد بهار راه افتاد و رفت تا همه جا را شکوفه باران کند.

نوروز خجسته باد

*چرا در سفره هفت سین سماق می گذارند؟

استدلال کردن

- ۱- چرا آدمها نباید یکدیگر را ناراحت کنند؟
- ۲- اگر یک روز یک اتفاق جالبی برایت بیفتد اول آن را برای چه کسی تعریف می کنی؟ توضیح بده.
- ۳- اگر یکی از دوستانت اسباب بازی تو را که با زحمت درست کرده ای خراب کند چه می کنی؟ به او چه می گویی؟
- ۴- اگر یک مورچه بودی دوست داشتنی چه کار کنی؟
- ۵- چرا بچه ها باید شب ها زود بخوابند؟
- ۶- وقتی عصبانی می شوی چه کارهایی برایت سخت است که انجام دهی؟
- ۷- فکر میکنی چه چیز هایی مامان و بابا را ناراحت میکند؟ توضیح بده.

موضوع: الفباورزی؛ صدای (چ)

عزیزم با دقت به اطرافت نگاه کن ، سپس چند شیء را پیداکن که با صدای (چ) شروع میشوند. آنها را کنارهم قراربده و یک شکل جدید را بساز. حالا به من بگو چه شکلی را درست کرده ای؟

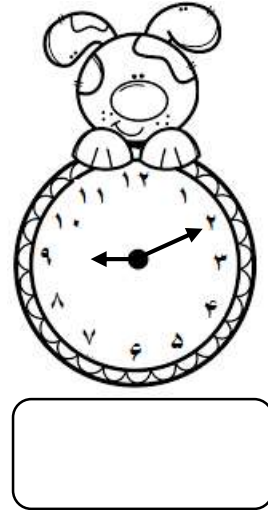
موضوع ریاضی: ساعت کامل

عزیزم شعر زیر را با مامان و بابا بخوان.

عقربه ی بزرگ تزه وقتی که می ره اون بالا ، کوچکتره رو هر چی باشه ، ساعت همون می شه حالا.

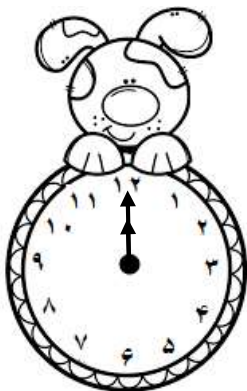
عزیزم امروز ساعت ۹:۰۰ چه کاری را انجام دادی؟

لطفاً زیر ساعتی که ۹:۰۰ را نشان می دهد آن کار را به تصویر بکش.

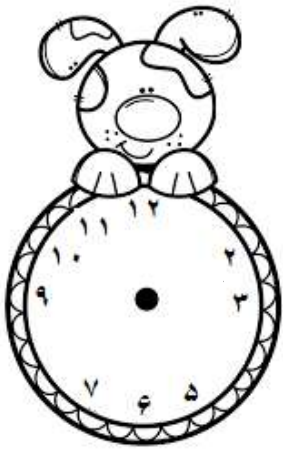


عزیزم ، ساعت چند است؟

حالا به تعداد عددی که ساعت نشان می دهد چوب خط بکش.

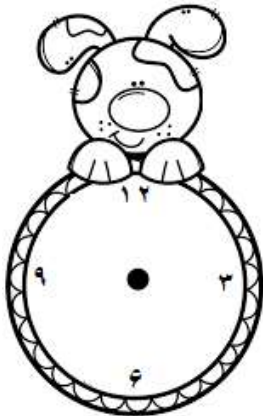


عزیزم ، ابتدا در هر قسمت اعداد ساعت را کامل کن.



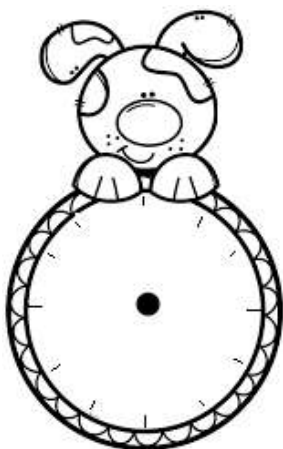
یک صبح زیبای بهاری ، علی کوچولو از خواب بیدار شد. نگاهی به ساعت انداخت.
عقربه ی بزرگ روی عدد دوازده ایستاده بود و عقربه کوچک عدد هشت را نشان می داد.
عزیزم ، ساعت بیدار شدن علی را روی صفحه ی ساعت نشان بده.

علی دست و صورتش را شست و مشغول خوردن صبحانه شد و سپس ساعت نه با مادرش به بازار رفتند.



عزیزم زمان رفتن علی به بازار را روی صفحه ی ساعت نشان بده.

و ساعت یازده که شد به خانه برگشتند.



عزیزم زمان برگشت به خانه را روی صفحه ی ساعت نشان بده.

جوانه ها

پیش بینی:

عزیزم فکر می کنی برای دانه های کاشته شده (عدس ، گندم ، ماش) چه اتفاقی می افتد؟

نتیجه:

عزیزم با دقت به دانه ها نگاه کن و مشاهدات خود را با هم مقایسه کن و آنها را به تصویر بکش.

دانه عدس:

دانه ماش:

دانه گندم:

توجه : این جوانه ها را می توانید در سالاد بریزید و مصرف کنید. جوانه ها را فوراً استفاده کنید اگر آنها را در یخچال نگذارید و سریع در عرض یکی دو روز استفاده نکنید قهوه ای شده و ارزش غذایی شان را از دست می دهند.

• U • U

• • • •

5

٤

Y

س

ف

ف

و

و

و

۲

۶

۹